

## اطلاعیه

وبلاگ "پرولتر" به مثابه نخستین رسانه انترنتی سازمان کارگران افغانستان طی سالیان 1385 تا نوروز 1391 خورشیدی به نشر اسناد این سازمان اقدام ورزید. اسناد منتشره در این وبلاگ مورد استفاده جنبش انقلابی کشور و مرجع مطالعاتی برای علاقتندان جنبش دموکراتیک نوین کشور بود. رهبری سازمان کارگران افغانستان هراس از آن داشت که این وبلاگ مورد حمله ی رژیم آخندی و جنایت کار ایران قرار خواهد گرفت. لهذا به تاسیس وبسایت های "مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم، عمدتا مائوئیسم" و "چشم انداز مائوئیستی" اقدام ورزید تا باشد که در صورت مسدود شدن وبلاگ "پرولتر"، از سویی مواد و اسناد منتشره در آن حفظ گردد، و از سوی دیگر، انقطاعی در نشر مواد ما صورت نپذیرد. مسدود شدن وبلاگ "جمعی از مائوئیست های ایران" زنگ خطری بود برای همه وبلاگ های کمونیستی مائوئیستی. ما در همان وقت نوشتیم:

"نمونه یی از سانسور انترنتی که بوسیله "جمهوری" کثیف "آخندی" ایران اعمال میشود!

"جمهوری" کثیف آخندی ایران، به گواهی تاریخ بیش از سه دهه خون و خیانت آن، پیوسته به سرکوب آزادی بیان و سایر آزادی های دموکراتیک اقدام ورزیده است. صحبت کردن از نقض آزادی های دموکراتیک در مقایسه با سایر جنایتکاری های "کبیر" این "جمهوری" کاملاً رنگ می بازد! هم زمان با پا گرفتن "جمهوری" اسلامی ایران، ده ها هزار کمونیست، چپگرای و انقلابیون وطن پرست مورد سرکوب، توهین و تحقیر و سرانجام کشانیدن به پای دار قرار گرفت. شیرازه سازمان های مترقی انقلابی نظیر چریک های فدایی خلق ایران، از سبب کشتار ها و دربند کردن های دسته جمعی بوسیله آخندان، از همه گسست. فرار میلیونها ایرانی به خارج از ایران، قتل های عام دسته جمعی، شکنجه های وحشیانه زندانیان سیاسی، ظهور پدیده ی شوم "تواب" در زندانهای سیاسی، و سرانجام، به تمامی از عرصه بیرون راندن نیرو های روشنفکر از عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، "دست آورد" سیاه و لکه های ننگ بر دامان "سپید" آخندان و "جمهوری" سرکوبگر آخندی شان است. آخندیسم، هیچگاهی به آسایش خاطر نتوانسته بالای خلق های آزادیخواه و عدالت طلب ایران حکمرانی کند. از همین رو بوده است که رژیم خیانت پیشه آخندی، پیوسته به سرکوب توده ها، و امحای فزیکمی مخالفین مبادرت ورزیده است. با اوج گرفتن نارضایتی های توده ها، رژیم خون و خیانت آخندی، دست به "ابداعات" عوامفریبانه، نظیر روی کار آوردن به اصطلاح آخند های "میانه رو" نیز زده است. اما، سیر حوادث به اثبات رسانید که آخند، آخند است، و "میانه رو" و "تندر رو" در قاموس اندیشه قهقهرایی حاکم بر ایران معنای بنیادینی نداشته و نخواهد داشت. از همین رو است که برای ایرانیان، فرقی میان "محمد خاتمی" و "احمدی نژاد" هرگز وجود داشته نمی تواند. از آنجاییکه "جمهوری" آخندی ایران، به مثابه دزد انقلاب خلق های ایرانی، پایگاه اجتماعی وسیعی در میان طبقات ستمدیده هرگز نداشته است، لهذا، رژیم جنایت پیشه بر سر اقتدار، همیشه دست به سرکوب زده، و آزادی بیان و عقیده را به "سیمرغ و کیمیا" مبدل نموده است که از آن فقط نامی باقی مانده است. این رژیم خونخوار، همانگونه که بالای شهروندان خویش ستم روا میدارد، بالای مهاجران و به خصوص مهاجران افغانی نیز از انواع ستمگری کارگرفته، و در این راستا، شوونیسم

وحشیانه خویش را برملا داشته است. از آنجایی که دسترسی به اینترنت، میتواند وسیله خوبی باشد جهت پخش و دریافت خبر و معلومات، و در نتیجه، میتواند خطر بالقوه و نیز بالفعل برای رژیم جنایت پیشه محسوب شود، لهذا این رژیم، دست به سانسورگری در سطح "ماهواره" پی زده، و مانع رسیدن معلومات دست اول و مورد نیاز برای ایرانیان گردیده، و نیز نمی گذارد که فریاد های ستمدیده گان ایرانی به گوش سایر انسانهای زحمتکش در سایر کشور ها برسد. همچنان، تجربه "بهار عربی" را برخی از "سیاست دانان" جمهوری آخذی، قسمی به تحلیل گرفته اند که: بایستی جهت جلوگیری از همچو "بهار" هایی، میزان دسترسی به اینترنت، از لحاظ کمی و کیفی را باید به حد اقل رسانید.

چنان یک دآوری ضد دموکراتیک و بربری منشانه، تا کی میتواند مانع و سد طوفان و سیلان خشم طبقات ستمدیده گردد؟ جالب آنست که رژیم آخذی، نه تنها سایت های خارجی "خطرناک" را سانسور و تحریم میکند، بلکه، حتی "وبلاگ" های درون مرزی خویش، و سایر وبلاگهای مربوط به ایرانیان برون مرزی را که به نوعی با ایرانیان درون مرزی تماس برقرار میکنند، را زیر مراقبت و سانسور جدی قرار میدهد. اینک به ذکر نمونه پی از وحشی گری، تمدن ستیزی و دشمنی با دگر اندیشی رژیم کثیف می پردازیم:

تعدادی از server (سرور) های وبلاگ رسان، دارای امکانات زبان فارسی وجود دارد که توسط ایرانیان، و تقریباً اغلب مستقیم و یا غیر مستقیم بوسیله رژیم آخذی، نظارت و کنترل میشود. مشهور ترین شان، بلاگفا، پرشین بلاگ، بلاگسپات و... میباشد. ایرانیان درون مرزی و بیرون مرزی از این سرویس ها استفاده میکنند. زیرا که این وبلاگها خدمات رایگان عرضه میکنند. شاید در بادی امر چنین به نظر برسد که عرضه خدمات رایگان، خود "خدمتی" از سوی آخذها در جهت زمینه سازی بهتر برای پخش افکار و آثار ایرانیان باشد. حاشا و پرگست که چنین نیست! در صورت چنین احتمال به دور از "جاغور" آخذها امکان پذیر می بود که آنها را اندکی تحمل پذیری و تحمل دگراندیشان میداشتند. حال آنکه آخذها در طول بیش از سی سال حاکمیت منحوس خویش، دگر اندیشان را به رگبار بسته و به چوبه دار کشانیده اند. اگر وبلاگهایی خلاف موازین "آخذی" به نشر مواد اقدام ورزد، بوسیله دستگاه های کنترل و فیلتر گوش به فرمان آخذها، کشف و شناسایی گردیده، و مسدود میگردند. نمونه تازه و زنده این مورد، وبلاگ ذیل است:

[www.jmيران.persianblog.ir](http://www.jmيران.persianblog.ir)

پرشین بلاگ، یعنی ارائه کننده خدمات به وبلاگ ذیل، خویشان را "بزرگترین جامعه اینترنتی ایرانیان" میخواند. اما این "بزرگترین جامعه اینترنتی ایرانیان" نیز آخذ زده، و بازیچه دستان آخذهای دشمن آزادی بیان میباشد. وبلاگ مذکور که حاوی مطالب سیاسی-اجتماعی از نقطه نظر طبقه کارگر و سایر طبقات ستمدیده بوده، و از موضع دموکراسی پرولتاری حرف میزد، به خار چشم آخذها مبدل گردیده، و آنرا مسدود کردند.

زمانی که آن وبلاگ فعال بود، و مواد آن بوسیله سایر وبسایت ها و رسانه های دموکراتیک و کمونیستی اقتباس و پخش مجدد میشد، عده پی سکتاریست پیدا شده بودند و اعلام میداشتند که: گرداننده گان این وبلاگ، خود را "جمعی از مارکسیست-لنینیست-مائوئیست های ایرانی" خوانده اند، حال آنکه ایشان نخست یک جمع نیستند، بلکه آنهمه نبشته، مال یک نفر بیش نیست."

رفقای افغانستانی گرداننده گان وبسایت “شورش” ، اعتراض مملو از دشنام سکتاریست ها را خردمندانه پاسخ نداشتند ، و بیان داشتند که : مهم خط صحیح آنهاست، و نه کمیت. و نه حتی اسم و یا اسم مستعار داشتن شان قابل درنگ و مایه نگرانی است.

وبسایت های “شورش” ، “شعله جاوید” ، “سه عقرب” ، “بابا” و... به نشر مطالب رفقای “جمعی از مارکسیست-لنینیست-مائوئیست های ایرانی” پرداختند که البته با این کار خود، دین انترناسیونالیستی ودموکراتیک خویش را ادا کردند. اما، نگره سکتاریستی، بالاخره به کام دل خود رسید: وبلاگ رفقای ایرانی ما، که به چشم سکتاریست ها حقیر و غیر قابل اعتنا می آمد، به خار چشم رژیم آخندی بدل گردیده بود. حالا کین سکتاریسم را از آن “جمع” می بایست آخندیزم بکشد! همین بود که آن وبلاگ را بستند. آوخ که رژیم های خون آشام و دیکتاتور، ولو که در آستانه مبدل شدن به قدرت اتمی، و بل دارنده گان سلاح هسته یی هم باشند، از آنجایی که بنیاد ضد مردمی دارند، چقدر تنها اند، وچقدر همیشه در ترس و وحشت به سر می برند. رژیم آخندی ایران نیز، با آنهمه “دم و دستگاه” عشوه دهنده اش به غرب، از یک “وبلاگ” چنان به ستوه آمده، و از مواضع انقلابی و زبان توده یی آن، چنان به عرق مرگ افتاد که درب آنرا بسته، و مادامیکه میکوشی آنرا بگشایی، برای مراجعه کننده گان چنین پیامی، به یادگار گذاشت:

دسترسی به وبلاگ مورد نظر طبق دستور مقامات قضایی یا عدم رعایت قوانین سایت امکان پذیر نیست.

**The requested weblog has been blocked due to a Terms Of Service violation**

بستن این وبلاگ، چراغ سرخی است برای سایر وبلاگهایی که دارای

محتویات ضد رژیمی و یا دیگر اندیشانه اند. از این به بعد، کاربران

وبلاگ، دو راه در پیش خواهند داشت:

یا آنکه ایشان باید به خنثی نویسی روی آورده، و دست به نشر مطالب

ملی ، مترقی و دیگر اندیشانه نزنند، و یا اینکه، باید کوله بار خود را از

خدمت وبلاگهای رژیمی بریندند. در غیر آن، هر آن باید منتظر بسته

شدن وبلاگهای خویش باشند!

آری، آخذ ها که دست شان به خون مردم ستمدیده ایران آغشته است، به رنگ سرخ، به فارسی و فرنگی ( و فرنگی چه بسا از برای دلخوشی لیبرال های فرنگ) حکم مسدود ساختن یک وبلاگ دیگر اندیش و مترقی را “ طبق دستور مقامات قضایی” صادر میکنند تا باشد که روح خبیث خمینی دشمن توده های ستمدیده ایران، در دوزخ شاد گردد!

رفقای سازمان کارگران افغانستان، بسته شدن آن وبلاگ را که حاوی مواد غنی تئوریک و انقلابی بود، یک ضایعه واقعی دانسته، و مراتب نفرت خویش را نسبت به رژیم اجرا کننده این سیاست ضد دموکراتیک برای هزارم بار ابراز میدارد. امیدواریم که رفقای ایرانی ما از این حادثه، بیش از پیش بر کینه طبقاتی خویش نسبت به دشمن طبقاتی افزوده، و به کار و پیکار انقلابی خویش ادامه بخشیده، و دچار یاس و خسته گی نشوند. به قول هوشنگ ابتهاج سایه، شاعر بزرگ ایران:

عنان تا در کف نامردمان است

ستم با مرد خواهد کرد نامرد!

مرده باد رژیم ضد مردمی و جنایتکار آخندی ایران

مرده باد امپریالیسم جهانی و سایر سگان مرتجع دست نشانده اش

زنده باد دموکراسی و پاینده باد پرچم آزادی بیان

در راه سرخ سوسیالیسم به پیش

سازمان کارگران افغانستان

(مارکسیست-لنینیست-مائوئیست، عمدتا مائوئیست)

حوت 1390"

سپس با توجه به خطر مزید مسدود شدن وبلاگ سازمان کارگران افغانستان، با تاسیس وبسایت جدید خویش و انتقال مواد وبلاگ پرولتر در آن، اطلاعیه زیر را در وبسایت جید به نشر رسانیدیم:

### Notice

Followngs are files copied and uploaded from our website: [www.proletar.blogfa.com](http://www.proletar.blogfa.com). We have uploaded all contents of proletar's website in one pdf. file. it contains the materials from 1385-1390. There is high risk of closure of leftist weblogs by Irani weblog servers. Islamic Extremists censor and supress Irani Server Weblog services. The weblog of [www.jmiran.persianblog.ir](http://www.jmiran.persianblog.ir) was a leftist one, and was banned. So, we tried to prevent such a destination for our webstie. So, we are right now shifting to WordPress service provider. It has also a better space for uploading and publishing materials.

@ @ @ @ @ @ @ @ @

برداشت ما از عملکرد های فاشیستی و سانسورگری آخندی "جمهوری" جنایت پیشه و دشمن آزادی بیان  
دد منشان بر سر اقتدار در ایران، به حقیقت پیوست. **وبلاگ پرولتر را آخند ها مسدود نموده اند.** مسدود  
شدن وبلاگ پرولتر در کنار وبلاگ سابقه ی "جمعی از مائوئیست های ایران" و ده ها وبلاگ مترقی و  
چپی افغانستانی و ایرانی از سرویس دهنده های رایگان ایرانی، نشانه ی آنست که گفتار های حاکمه ی  
ایران، حتی از "فضای مجازی" نیز هراس دارند و انتشار مواد انقلابی در چنان فضا، به شدت پشت آنان  
را لرزانیده است! آری! رژیم هایی که پشتوانه توده یی ندارند و به مثابه ی پیکان خونین ارتجاع عمل  
میکند هرگز تاب شنیدن یا دیدن صدا و درفش انقلاب را نداشته و تا دست شان میرسد به قلع و قمع "نور"  
اقدام میورزند. شاملوی بزرگ خیلی زیبا میگفت که: "نور را در پستوی خانه نهان باید کرد!"

آخند ها سراغ وبلاگ "پرولتر" را نیز گرفتند. دیگر با نوشتن :

[www.proletar.blogfa.com](http://www.proletar.blogfa.com)

در "براوزر" با صفحه ی مزین به " به صفحه ی سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م) خوش آمدید" ملاقی  
نمی شوید بلکه با قوله شنیع آخند ها با عبارات ذیل تصادم میکنید:

#### **این وبلاگ به دستور کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه مسدود شده است**

محتوای وبلاگ محفوظ است تنها از نمایش عمومی آن جلوگیری شده است. جهت اطلاعات بیشتر بخش راهنمای پیگیری جهت  
رفع فیلتر وبلاگهای مسدود شده توسط کارگروه را مطالعه کنید.

خواستیم به "صفحه مدیریت "وبلاگ" رفته و از محتوای آن "خبری" بگیریم، با نوشته ی زیر مواجه  
شدیم:

وبلاگ شما به دستور کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه مسدود شده است"

آخند های فاشیست ایرانی، به مثابه ی دشمنان دیرینه و سوگند خورده ی خلق های آزادیخواه ایران و  
منطقه، دشمنان مصمم آزادی بیان و قاتلان هزاران مارکسیست انقلابی اند. بیایید مسدود شدن وبلاگ  
پرولتر را که لکه ی ننگ دیگری است به دامان عملکرد های فاشیستی و ضد دموکراتیک جمهوری  
آخندی ایران، به بهمنی از خشم و نفرت مبدل ساخته، و با شعار " مرگ به جمهوری آخندی ایران!!" یکبار  
دیگر خنجر بران مبارزاتی خویش را صیقل داده، و آنرا بیش از پیش آماده ی بریدن "سر و سینه و پا و  
دست" آخند های کثیفی کنیم که با بریدن "سر ها و سینه ها و پا ها و دستان" هزاران ایرانی و غیر ایرانی،  
بر قلزمی از خون ستمدیدگان، کشتی ننگ خویش را باد بان افراخته اند.

فیلتر نمودن وبلاگ های انقلابی و تهی نمودن وبسایت ها از محتوای سرخ شان (به وسیله اعمال سانسور  
بر فضای مجازی مورد استفاده کاربران ایرانی و غیر ایرانی در محدودیت حاکمیت پیتارگان آخند) و  
مسدود نمودن وبلاگ ها و وبسایت های مترقی و انقلاب، خود رساننده ی آنست که این آخند های پلید، به

گمان احمقانه ی خویش فکر میکنند که با تمدید سیم خاردار سانسورگری میتوانند از ورود بهار جلوگیری کنند. جبر تاریخ همان است که زنده یاد شفیع کدکنی (م.سرشک) به زبان شعر بیان داشته و اعلام نموده بود که نمی توان "بهار را سیم خاردار گرفت" و انقلاب "مثل بهار" از چهار سو میرسد. آری! پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در ایران، به عمر ننگبار و کثیف آخند های مزدور امپریالیسم غرب، پایان خواهد بخشید. آنگاه است که این آخند های پلید پاسخ هر جنایت و کثافتی را که مرتکب شده اند، خواهند داد.

بباید با "مرگ به جمهوری آخندی ایران" مظلوم و اجحاف فراوانی را که صد ها هزار افغان مهاجر در این کشور طی بیش از سه دهه آشفته روزی و در به دری از سوی "بسیجی" ها و سایر قصابان رژیم خون و خیانت حاکم بر ایران متحمل شده اند، را هر چه رسا تر فریاد برکشیم و یکبار دیگر اعلام داریم که:

ما انتقام ستمدیده گان خویش را از ستمگران آخند خواهیم گرفت. اگر آخند های پلید تمام هم و غم خویش را در مسدود ساختن مجاری فریاد ما با بستن رسانه های ما به کار می بندند، ما با ده ها و صد ها گلوی دیگر، فریاد خویش را به فلک میرسانیم و با درفش سرخ انقلاب، انقلابی که خواب آخند های ایرانی را نیز خواهد ریود، و آنانرا در چادر سوگ خواهد نشاند، رسالت تاریخی و دورانساز خویش را به جا خواهیم آورد. بگذار بوم های شوم بورژوازی بیروکرات کمپرادور خیال بیهوده ی حاکمیت بر قلمرو شب را در دماغ های خام خویش بپزند. جز آن نیست که: شب به سر آمدنیست و چشم های ضعیف و پتیاره ی آخند ها، با ملاقی شدن با سپیده دم، به کوری جاوید خواهد نشست! آری! به قول هوشنگ ابتهاج (سایه)،  
آنروز دور نیست که:

"بازوان بلورین صبحدم" تیغ بردارد و "پرده ی تاریک شب" را درد!

در راستای چنان آرمان مقدسی، به پیش می تازیم و با شعار مرده باد بینادگرایان مذهبی، این سگان حقیر امپریالیسم در افغانستان، پاکستان و ایران، بران تر و کوبان تر از پیش، می رزمیم.

**انقلاب زنده باد!**

**"پرولتر" کار خویش را کرده است!**

**"پرولتر" در دلها نشسته است!**

**"پرولتر" مغزها را مسلح ساخته است!**

**"پرولتر" بر لبها جاری است!**

**سازمان کارگران افغانستان (م.ل.م)**

23 سنبله (شهریور) 1392 خورشیدی